تحریم‌های اقتصادی سیاستی ناکارآمد در قبال ایران

اردوان امیراصلانی

جو بایدن در طول مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری خود وعده داده بود ایالات متحده بار دیگر به جمع امضاکنندگان برنامه جامع اقدام مشترک که دونالد ترامپ در ماه می ۲۰۱۸ به‌طور یک‌جانبه تصمیم به ترک آن گرفت، می‌پیوندد. پس از گذشت دو سال از آغاز ریاست‌جمهوری او، این ایدئال به نظر دور از دسترس می‌رسد. مذاکرات بر سر توافق احتمالی جدید به بن‌بست خورده است و ایران تا حد زیادی از تعهدات خود برای ازسرگیری غنی‌سازی اورانیوم کناره‌گیری کرده و محافظه‌کاران به قدرت بازگشته‌اند. دستگاه دیپلماسی ایران همچنان به سیاست خود مبنی بر نگاه به شرق ادامه می‌دهد و چندین شراکت اقتصادی و امنیتی با چین امضا کرده است. این موضع‌گیری به‌ویژه به دلیل سیاست شناخته‌شده آمریکا یعنی اعمال تحریم‌هاست.

اعمال تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه ایران به امید تأثیرگذاری بر مواضع کشور تنها محدود به کارزار «فشار حداکثری» که توسط دونالد ترامپ راه‌اندازی شد، نمی‌شود. تحریم‌های اروپا نیز به دنبال برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۶ با الهام از تحریم‌های ایالات متحده در دهه‌های اخیر از قبیل مسدودکردن دارایی‌های ایران در خارج از کشور، محدودیت تردد شخصیت‌های ایرانی و منع تجارت با شرکت‌های ایرانی اعمال شده‌اند. با این حال، تاکنون استراتژی انزوا تأثیر مثبتی نداشته؛ زیرا ایران با وجود پیامدهای اقتصادی، هرگز برنامه هسته‌ای خود را رها نکرده است. از سوی دیگر، آثار مشهود آن از قبیل ایجاد موانع برای بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ازدست‌رفتن اعتماد بین ایران و غرب، تندروی، خروج از انزوای ایران توسط جایگزین‌های منطقه‌ای و تقویت مشارکت با همسایگان آسیایی، متعدد است.

با این حال، تأثیر تحریم‌ها متناقض است. دولت ترامپ «فشار حداکثری» را به عنوان راهکاری برای ایجاد تغییر در حکومت ایران از طریق واردکردن فشار به مردم در نظر گرفته بود. سازماندهی واکنش ایران از طریق «اقتصاد مقاومتی» امکان خنثی‌سازی این اثر را فراهم کرد. با وجود آن، محدودیت‌های خاص سیستم بانکی بین‌المللی، به سازماندهی مجدد مدارهای تجاری ایران ضرورت بخشید، اما همه اینها نتوانست از کاهش درخور توجه قدرت خرید و رفاه ایرانیان و افزایش تورم جلوگیری کند. فقدان چشم‌انداز آینده و اعتراضات مکرر اجتماعی سبب ایجاد فضای بی‌اعتمادی و کاهش شدید و بی‌سابقه ارزش پول ملی در چهار دهه اخیر شده است. طبق آمار، تقریبا درصد زیادی از ایرانیان زیر خط رفاه نسبی به سر می‌برند و این در حالی است که ایران کشوری غنی از منابع طبیعی است و بالاترین میزان تحصیلات در خاورمیانه را دارد.

از نظر رابرت مالی، فرستاده ویژه واشنگتن در امور ایران، «تحریم‌ها پاسخ درستی نیستند». وضعیت رابطه بین غرب و ایران به‌طور مؤثر تأکید بر این دارد که آنها به بن‌بست رسیده‌اند. درواقع، برجام در طول سه سالی که مؤثر بود، حداقل تنها مکانیسم مفید برای محدودکردن پیشروی برنامه هسته‌ای ایران بوده است. این تجربه‌ای است که همچنان به عنوان پشتیبان عمل می‌کند و تمایل غربی‌ها برای زنده نگه‌داشتن آن را توضیح می‌دهد. بن‌بست دیپلماتیک میان واشنگتن و تهران و خروج تدریجی ایران از متن توافق این احتمال را کاهش می‌دهد. در پایان، حتی ممکن است لغو تحریم‌ها نیز مفید واقع نشود؛ زیرا پیشرفت ایران در مسائل هسته‌ای برجام را منسوخ خواهد کرد. کاهش تحریم‌های اقتصادی یا تحریم‌های هدفمند نیز نمی‌تواند کمکی برای مردم ایران که از محرومیت اقتصادی رنج می‌برند، به حساب بیاید.

باید از افراط و تفریط و اعمال زور که بدون شک راه‌حلی نفرت‌انگیز برای غربی‌هاست، پرهیز کرد. نه اتحادیه اروپا و نه کاخ سفید هیچ تمایلی به درگیری با ایران که منجر به بی‌ثباتی عظیم در خاورمیانه و جهان می‌شود، ندارند. بنابراین دیپلماسی بهترین گزینه باقی‌مانده است که می‌توان پس از سال‌ها مذاکره با احیای توافق وین به آن دست یافت.

ادامه از صفحه اول

حقی قانونی به نام انتخاب وکیل

با وجود تصویب این اصل و ضرورت رعایت آن در همه دادگاه‌ها، در دهه اول بعد از سال ۱۳۵۷، دادگاه‌های انقلاب از حضور وکیل در دفاع از متهمان و بلکه حضور وکیل شکات نیز جلوگیری می‌کردند. در سال ۱۳۶۳ رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور که به منزله قانون است، صادر شد و محاکم را ملزم می‌کرد در دعاوی‌ای که مجازات متهم اعدام و... است، باید متهم قبل از جلسه وکیل تعیین و معرفی کند، در غیر این صورت دادگاه باید برای او وکیل تسخیری انتخاب کند. چون دادگاه‌های انقلاب همچنان از پذیرش وکیل امتناع می‌کردند و مصوبه مجلس درباره الزام دادگاه‌ها به پذیرش وکیل با مخالفت شورای نگهبان مواجه شده بود، در مهرماه سال ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده‌واحده‌ای با سه تبصره ضمن تأکید بر حق اصحاب دعوی در انتخاب وکیل دادگستری در همه دعاوی، تصویب کرد طرفین دعوی حق انتخاب وکیل را دارند و همه دادگاه‌هایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند، موظف به پذیرش وکیل هستند. در تبصره دوم این مصوبه تأکید شده است هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق انتخاب وکیل تعیینی را از متهم سلب کند، حکم صادرشده از طرف آن دادگاه فاقد اعتبار قانونی است و قاضی آن دادگاه در دفعه اول به مجازات انتظامی درجه سه قضات و برای مرتبه دوم به انفصال دائم از شغل قضا محکوم می‌شود. در تبصره دیگر این مصوبه هم بر رعایت شأن و شئون وکیل در شغل خود تأکید شده و تأیید می‌کند وکیل در موضع دفاع، از احترام شاغلان شغل قضا برخوردار است. با وقوع حوادث اخیر، پذیرفته‌نشدن وکیل تعیینی متهمانی که متهم به اتهاماتی مانند محاربه هستند و مجازات آنها سلب حیات است، توسط برخی از شعب دادگاه‌ها و انتخاب وکیل از سوی این دادگاه‌ها به عنوان وکیل تسخیری به موضوع روز تبدیل شده و با اعتراضات گسترده خانواده‌های محکومان و محافل حقوقی مواجه شده است. بسیاری از خانواده‌ها اعلام کردند دادگاه‌ها از فرزند یا نزدیکانشان که در بازداشت هستند، حق داشتن وکیل را سلب کرده و برای آنان رأسا وکیل تسخیری از میان وکلای مورد نظر خویش انتخاب کرده‌اند. از آنجایی که قانون‌گذار در قوانین مختلف و در رأس آن اصل ۳۵ قانون اساسی، بر انتخاب وکیل توسط خود اصحاب دعوی تأکید کرده و مجمع تشخیص مصلحت نظام این امر را مورد تأیید قرار داده است، در مواردی که اصحاب دعوا ازجمله متهمان حوادث اخیر، درخواست تعیین وکیل کرده‌اند، دادگاه‌ها به‌هیچ‌عنوان حق اجبار آنان به پذیرش وکیل تسخیری معرفی‌شده از طرف دادگاه‌ها را ندارند. این اجبار از مصادیق تبصره ۲ ذیل ماده‌واحده مصوب مجمع تشخیص است و با اعلام متهم رأی صادرشده اعتبار قانونی ندارد.

تعمیم تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به دادگاه‌ها اجتهاد در مقابل نص است و بدعتی است که اعتبار قانون و قضا را هدف گرفته است. در متن ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری که در زمان تصویب (سال ۱۳۹۲) اقدام بسیار ارزنده‌ای بود، عنوان شده با شروع تحت نظر قرارگرفتن متهم، او می‌تواند تقاضای درخواست وکیل کند. وکیل هم می‌تواند با رعایت محرمانه‌بودن تحقیقات با موکل خود ملاقات کند و در پایان ملاقات یک‌ساعته، ملاحظات خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. این قانون که توسط کمیسیون قضائی مجلس تدوین و تصویب شده بود، به متهم اختیار می‌داد در همه مراحل دادرسی کیفری ۱- مرحله تحقیقات نزد ضابطان (پلیس یا نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و دادسرا)، ۲- مرحله دادرسی (بدوی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی) و ۳- مرحله اجرای حکم حضور یافته و از متهم دفاع کند.

متأسفانه این ماده قانون که نظم نوینی در دادرسی ایجاد و از خودسری‌ها در این مرحله جلوگیری می‌کرد، به مذاق عده‌ای خوش نیامد و قبل از اینکه اجرا شود، ایرادهایی به این ماده و برخی مواد دیگر گرفتند و خواهان اصلاح قانون شدند. یکی از موادی که به آن اصلاحیه خورد، همین ماده ۴۸ بود که تبصره‌ای به آن اضافه کردند. مطابق همین تبصره در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۱ قانون آ.د.ک است، در مرحله تحقیقات مقدماتی، متهمان می‌توانند وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب کنند. این تبصره استثنائی بر اصل ماده بوده و همه ماده را در بر نگرفته، بلکه فقط ناظر بر مرحله تحقیقات (توسط ضابطان یا دادسرا) بود. این محدودیت به‌هیچ‌وجه شامل دادگاه‌ها نمی‌شود و محاکم حق اعمال چنین محدودیتی را ندارند. با وجود اینکه نزدیک به هفت سال از اجرای این قانون می‌گذرد و در توضیحات بالا آورده شد، فقط در مرحله تحقیقات در پرونده‌هایی که آن را امنیتی (سیاسی) می‌دانند، متهمان باید وکیل را از میان وکلای مورد قبول قوه قضائیه انتخاب کنند، اما در سایر مراحل دادرسی متهمان پرونده‌های سیاسی موسوم به امنیتی حق دارند وکیل را از میان وکلای مورد نظر خود انتخاب کنند. اساسا اگر شخص بتواند خودش وکیل انتخاب کند، دادگاه‌ها به‌هیچ‌عنوان حق انتخاب وکیل تسخیری برای او ندارند و نمی‌توانند آزادی او را در انتخاب وکیل محدود کنند. از سوی دیگر در اصل ۹ قانون اساسی آمده است: آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور از همدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ همه آنها، وظیفه همه آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به اسم استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند. متقابلا برابر همین اصل از قانون اساسی هیچ مقامی حق ندارد به اسم حفظ استقلال و تمامیت ارضی، آزادی‌های مشروع فردی ازجمله حق انتخاب وکیل را از مردم سلب کند.

اینکه چرا قانون‌گذار این تبصره را تصویب کرده است، ظاهرا باید این باشد. چون مرحله تحقیقات مقدماتی شامل تحقیقات ضابطان هم می‌شد، آنان این بدعت نوین در دادرسی را که در دنیا یک قرن سابقه دارد، برنمی‌تابیدند و بیم داشتند حضور وکیل موجب افشای موضوعات محرمانه یا اقداماتی شود که وکلا آن را نمی‌پذیرند. این ایراد وارد نیست. وکلا متعهد به حفظ اسرار پرونده‌ها هستند. وکلا اقدامات خلاف قانون را متذکر می‌شوند، ولی پیش نیامده وکیلی اسرار پرونده را فاش کرده باشد. وانگهی محدودکردن حق متهم هم نزد ضابطان و هم در دادسرا و نزد بازپرسان و دادیاران وجه قانونی ندارد. این تبصره برخلاف اصول قانون اساسی و حقوق فردی و شهروندی و نوعی تبعیض بین چندده هزار نفر وکیل دارای پروانه با عده‌ای وکیل منتخب رئیس قوه قضائیه است که تعدادشان در کل کشور به پنج درصد وکلای صاحب پروانه هم نمی‌رسد و به گفته یکی از مقام‌های عالی این قوه، تصویب آن ننگ و نوعی اعمال تبعیض بین وکلا و خلاف بندهای اصل سوم قانون اساسی کشور است.

وکیل چه تعیینی و چه تسخیری، در هر حال باید از موکل خود دفاع کند و اظهارات او علیه موکل یا سرپیچی از وظیفه قانونی خویش خلاف قسم او و پرنسیپ وکالت است و باید به پرسش‌های خانواد متهمان پاسخ دهد. وکیل، چه تعیینی و چه تسخیری، موظف است از موکل خود دفاع کند و بیان هر اظهاری علیه موکل برای خوشایند قاضی معرفی‌کننده او خلاف شئون وکالت و مستوجب تعقیب انتظامی اوست.

ادامه از صفحه اول

کامفیروزی؛ روایت تلاش ۲۵ ساله یک نسل

به شوخی می‌گفتیم عباس قبل از رژیم و بعد از رژیم دوتاست. حتی خلقا و طبعا تغییر کرد. این تغییر را دوست داشت و عکس بعد از چاقی را به‌عنوان الگوی مقاومت و تغییر برای آدم‌های خسته از روزگار می‌فرستاد! اما آن نوجوان تپل و پرهیجان، از اول دبیرستان کاری کرده بود که من مجذوبش بودم. سال‌های ۷۶ و ۷۷ در اوج هیجان سیاسی کشور، روزنامه و نشریه مثل خوراک آدم‌ها بود. عباس تصمیم گرفته بود هفته‌نامه دبیرستان اندیشه شیراز را منتشر کند. اسمش «روزنه» بود. من هم همکار اصلی‌اش بودم! تاریخ را یادتان باشد. کامفیروزی امروز ۴۰ساله، ۲۵ سال پیش در دبیرستان نشریه سیاسی-اجتماعی منتشر می‌کرد! هر هفته! من به مرور فهمیدم که عباس فرزند شهید است. بعدترها مادر گرامی‌اش هم در همان سال‌های دبیرستان از دنیا رفت. شد تنهای تنها! با یک خواهر و برادر و یک دنیا درد و دغدغه برای ایران.

پرده دوم؛ چنان دانش متنوع و عمیقی در مباحث سیاسی، اجتماعی و تاریخی کسب کرده بود که به علوم انسانی تغییر رشته داد و شد دانشجوی حقوق دانشگاه تهران، من هم شدم دانشجوی مهندسی شیراز. او رفته بود که تغییر را در بزرگ‌ترین دانشگاه کشور پیگیری کند. یک روز زنگ زد و گفت بیا یک نشریه بین‌دانشگاهی بزنیم! من تهران و تو شیراز؛ سیاسی و راهبردی و روشنفکری! من حوصله و توان او را نداشتم. و نه من! بلکه تا همین امروز هیچ‌کس را ندیده‌ام مانند عباس در مسائل اجتماعی و سیاسی به این حد پیگیر باشد. با تکیه به توان او شروع کردیم. او در ایام دانشجویی فعال بود، قلم می‌زد، برنامه برگزار می‌کرد، در روزنامه‌ها فعال بود و در این حرفه چیره‌دست بود. قلم عباس در روزنامه‌نگاری و تیتززدن کم‌نظیر است؛ تخصصش اندیشه و سیاست داخلی ایران و جنبش‌ها و جریانات دانشجویی بود. تقریبا در جشنواره‌ای نبود که مورد تمجید و تقدیر نباشد و عموما هم ایده‌هایش جریان‌ساز بود. عباس در دوران دانشگاه و پس از آن در طول زندگی یک اصل داشت که در کنار قدرت نمی‌ایستاد. در هر دوره‌ای ناقد گفتمان مسلط بود. در دوره اصلاحات هم مرامش همین بود. با وجود ارتباطات وثیق با گروه‌های مختلف اما دنبال نمدی برای کلاه خودش نبود. بله، کامفیروزی ۲۰ سال پیش منتقد وضع موجود بود و همیشه عقیده داشت سیاست‌مداران برای ایران کافی نیستند، باید رو کرد به مردم. برای همین روی آزادی بیان تعصب عجیبی داشت و دارد. هیچ‌وقت پیوندی با ساختار قدرت رسمی نداشت، با وجود اینکه در بسیاری از اوقات فرصتش برای او فراهم بود.

پرده سوم؛ قصد تطویل ندارم. سال ۸۸ دستگیر شد و پرونده‌ای برایش ساختند. در شیراز راهی زندان شد و همان‌جا برای مدتی کوتاه دست به اعتصاب غذا زد. بیرون که آمد دچار تغییر شگرفی شده بود. مهم‌ترین چیزی که به ما گفت این بود که باید برای آینده کشور فکری جدی کرد. از آن سال‌ها به بعد عباس بیش از گذشته چفت جامعه مدنی شد. نشست و برخاست اصلی او با بی‌صداها و خلع‌سیاست‌شده‌ها شد. به طور کامل رفت و بساط کار و زندگی‌اش را بین مردم پهن کرد. از همه مواهبی که کسی مثل او در حکومت می‌توانست داشته باشد، چشم‌پوشی کرد و رفت در دل مردم.

پرده چهارم؛ برای عباس با این تجربه سیاسی و اجتماعی و سال‌ها فعالیت دانشجویی و فرهنگی، پروانه وکالت ابزاری بود که می‌توانست به او تحرکی دوچندان ببخشد. او دقیقا به وکالت به‌مثابه یک نهاد نگاه می‌کند و حداکثر بهره لازم از آن را برای تنظیم قواعد اجتماعی می‌برد. ابزاری که به او این توان را داد که برای دغدغه اصلی خود، یعنی مبارزه با پایمال‌شدن قانون و حقوق انسان‌ها، عزمش را جزم کند. برای صدور پروانه‌اش به جهت همین فعالیت‌های دانشجویی و اجتماعی تعلل‌هایی شد؛ اما روی دلسوزی و شرافت عباس کسی نمی‌توانست تشکیک کند. از زمان اخذ پروانه (سال‌های ابتدایی دهه ۹۰) تا امروز با وجودی که می‌توانست در حلقه‌های رفاقتی وکلا و همکاران قضائی جای بهتری از نظر مالی برای خودش دست‌وپا کند، شهادت می‌دهم اولویتش حق‌خواهی برای محرومان بود؛ بی‌چشمداشت و رایگان و فارغ از اوضاع مالی‌اش این کار را مکرر انجام می‌داد. بارها کسانی را که گرفتار بودند، رایگان وکالت کرد. چند مورد را من خودم معرفی کردم. پرده پنجم؛ عباس یک علقه ویژه به دانشگاه و دانشجویان دارد. دلیلش روشن است؛ آموزش راه نجات جامعه است. تا سال‌های اخیر به جهت همین علقه شدیدا درگیر مسائل حقوق دانشجویی شد؛ چراکه عقیده داشت این دانشجویان از همه در برابر شداید آسیب‌پذیرتر هستند و ضمن اینکه می‌خواست مسیر تظلم‌خواهی و تلاش برای رسیدن به عدالت را از دانشگاه آغاز کند.

تلاش برای تثبیت حقوق دانشجویی و تحدید اختیارات کمیته‌های انضباطی دانشگاه‌ها از تلاش‌های پایدار اوست. همواره برای تضمین آزادی بیان در دانشگاه‌ها به نظارت قانونی حداقلی بر نشریات دانشجویی اعتقاد داشت؛ بنابراین چندین سال به‌عنوان نماینده مدیران مسئول نشریات دانشجویی فعالیت می‌کرد. سخنرانی پرشور و صادقانه او در دیدار دانشجویان با رهبری هنوز هم خواندنی است.

در کنار این موارد، شغل هرروزه او در سال‌های اخیر وکالت دانشجویان و متهمان سیاسی بوده است. وکالتی عموما پردردسر، طاقت‌فرسا، در شهرهای مختلف و موکلانی متنوع که تنها دلیلی که می‌تواند از سوی یک فرد ادامه یابد، شرافت است و بس! عقیده داشت این پرونده‌ها روی زمین می‌مانند و حقوق اشخاص از بین می‌رود. او به شکلی خستگی‌ناپذیر، تیزبینانه و صبورانه پرونده‌ها را از حیث حقوقی بررسی می‌کرد و با علم به مشکلات متعدد، تمام تلاش خود را برای حق‌خواهی این انسان‌های بی‌دفاع به کار می‌گرفت. به چشم دیده‌ام که حتی بیش از پرونده‌های وکالتی خودش برای امرار معاش، اغلب برای این پرونده‌ها و افراد وقت می‌گذاشت.

این بیوگرافی سریع کامفیروزی در ۲۵ سال گذشته، برای یادآوری وجود او و امثال او در ایران، کشورت، کشورم و کشورمان است. شهادت‌نامه‌ای است که اذعان دارد او برای سربلندی ایران، با تمام تنهایی‌ها و دردهایش و با کوهی از غم که شاید حتی ما هم حس نمی‌کردیم، تا همین ۴۰سالگی دویده است. دردانه‌ای مؤمن به مسیر صعبِ آزادی که بدون خستگی و با چشم‌پوشی از مواهب زندگی، صبورانه و امیدوارانه برای مردم ایران تلاش کرده و هرچند نتایج تدریجی مدنظر را محقق ندیده است، باز هم نایستاده! در دنیایی دیگر امثال عباس را که خود و خانواده‌اش چنین هزینه داده‌اند، به‌عنوان الگوی زیست شرافتمندانه و ایثارگرانه معرفی می‌کنند، با این همه، عباس این مقدار را هم افتخاری برای خودش نمی‌دانست. این روزها در گروه‌های مجازی دوستانه زیاد مباحثه می‌کردیم. بارها در پاسخ تحسین رفقا به تلاش‌هایش متواضعانه می‌گفت من در برابر این مردم ناچیزم و کاری نکرده‌ام! موکلش ملیکا قره‌گوزلو و مصائب و مشکلاتش را مثال می‌زد و از روزگار ناله می‌کرد و می‌گفت من برای این دخترخانم چه می‌توانم بکنم؟ چه کرده روزگار با او!

واقعیت هم درست می‌گوید، هیچ‌یک از ما در برابر ملتی که این‌همه فداکاری کرده، کاری نکرده‌ایم! اما عباس‌ها که در پی ساختن روایت درست از مطالبات آنان هستند، باید معرفی شوند تا عموم شهروندان بدانند فرزندانی چنین پاکباز و مؤمن دارند. من ایمان دارم او تازه ابتدای راه خدمت به مردم است و فردا با توان و انگیزه‌ای دوچندان برای ادامه مسیر بین ما خواهد بود. القصه! دلتنگش شده‌ام! چند روز پیش گفتم عباس! مراقبت کن. گرفتار می‌شوی. گفت بی‌خیال! ما که کاری نمی‌کنیم. گفتم کمی هم زندگی کن! گفت زندگی همین است.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت ارتباط انرژی پویا گستر (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۳۶۲۶۳۶ وشناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۴۶۰۹۳

در اجرای ماده ۲۱۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت ارتباط انرژی پویا گستر درحال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۳۶۲۶۳۶ وشناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۴۶۰۹۳ که آگهی انحلال آن در صفحه ۳ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۲۵۵۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۳۰ درج گردیده است دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر یک سال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه آقای احمدرضا حقوقی به شماره همراه ۰۹۱۲۱۰۲۴۴۶۳ مستقر در آدرس ونک – ملاصدرا – خیابان عباس شیرازی شمالی – خیابان صائب تبریزی شرقی پلاک ۱۹ طبقه دوم واحد ۲ کد پستی: ۱۹۹۱۷۴۶۶۶۹ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هر گونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت.

مدیر تصفیه شرکت ارتباط انرژی پویا گستر (مسئولیت محدود) درحال تصفیه
احمدرضا حقوقی

آگهی فقدان
مؤسس محترم **مرکز درمان سوء مصرف مواد پارسینا** واقع در تهران - خیابان قصرالدشت - تقاطع امام خمینی - کوچه کبیرانی - پلاک ۱، طی نامه ای اعلام نموده اند پروانه بهره برداری مرکز به شماره ۱۳۲۴۴۴-۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۵ مفقود گردیده است. لذا بدینوسیله ضمن ابطال پروانه فوق الذکر از یابنده تقاضا می شود آن را به معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران واقع در خیابان حافظ – تقاطع جمهوری- طبقه دوم - اداره صدور پروانه ها تسلیم نماید.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
گواهینامه موقت فارغ التحصیلی **اینجانب سید فرهود موسوی پور مهرام** فرزند فرشید به شماره شناسنامه ۱۵۷۳۴ و شماره ملی ۰۰۶۹۴۸۷۹۲۸ صادره از تهران در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد رشته زمین شناسی اقتصادی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود گواهینامه موقت را به دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال به نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق)، خروجی حکیمیه، خیابان شهید صدوقی، بلوار وفادار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال فرمایید.

برگ سبز **خودرو کوئیک** رنگ سفید مدل ۴۰۱ به شماره پلاک ۲۶۸ د ۳۸ ایران ۷۸ و شماره موتور M15/9718885 و شماره شاسی NAS841100n1149422 به نام **مهین قنبری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی **خودرو پژو ۲۰۶** رنگ سفید صدفی معمولی مدل ۱۳۸۲ به شماره موتور 10FSF94350457 و شماره شاسی ۸۲۶۲۲۷۴۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو لاماری** رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۷۳ _ ۳۴۸ د ۳۳ و شماره موتور 4A95TD3RC642 و شماره شاسی N5RL42DA5NP000156 به نام **ناهید حسنی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و کارت **موتورسیکلت js150** رنگ زرد مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۱۳۷ _ ۴۹۷۹۷ و شماره موتور ۸۹۰۰۱۹۰ و شماره تنه ۱۰۵۴۳ به نام **مصطفی رزمی کنازه** به کدملی ۰۰۳۶۳۱۹۳۴۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه اشتغال به کار مهندسی به شماره ۶۷ - ۳ - ۱۰ صادره از تهران در پایه یک رشته مهندسی ساختمان به شماره عضویت ۱۵۱۹۵ - ۰ - ۳ - ۱۰ متعلق به **آقای اسفندیار مبشری** به کد ملی ۲۷۵۳۳۳۸۳۴۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدرک فارغ التحصیلی کارشناسی مدیریت صنعتی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین برای **اینجانب سجاد عبدالهی** فرد با شماره دانشجویی ۸۷۰۳۸۶۳۰۷ و شماره کارت ملی ۴۳۲۴۶۷۷۳۷۹ و شماره شناسنامه ۱۹۰ مفقود گردیده است . از یابنده تقاضا دارم با این شماره تماس بگیرد ۰۹۱۹۶۹۸۱۶۸۵

برگ سبز **خودرو سواری دنا** اتومات ef7tca رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۹۱ ایران ۵۳۴ س ۳۴ و شماره موتور 153h0095594 و شماره شاسی naaw61hu7ne548992 به نام **مجتبی آقازاده** مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و کارت **موتورسیکلت js150** رنگ زرد مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۱۳۷ _ ۴۹۷۹۶ و شماره موتور ۸۹۰۰۰۳۰ و شماره تنه ۱۰۵۳۴ به نام **مصطفی رزمی کنازه** به کدملی ۰۰۳۶۳۱۹۳۴۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو پژو پارس TU5** رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۷۵ _ ۳۷۸ ق ۵۲ و شماره موتور 167B0182916 و شماره شاسی NAAN11FE9NK696650 به نام **جلیل رحمانی‌نیا** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب نسترن رضائی** فرزند حمیدرضا به شماره شناسنامه ۰۵۵۰۰۳۸۵۳۱ صادره از خمین در مقطع کارشناسی رشته مهندس مکانیک - مکانیک در حرارت و سیالات به شماره ۱۱۲۸۶۹، تاریخ صدور ۱۳۹۸/۰۸/۲۹ از دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه گیلان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه گیلان به نشانی گیلان، رشت، جاده تهران، دانشگاه گیلان ارسال نماید.